

حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، استاد حوزه و دانشگاه در گفت‌وگو با «جوان»:

انتظار فقط با عمل معنا پیدا می‌کند

انتظار همان عملیاتی کردن شاخصه‌های فرهنگ مهدویت است که در دوران غیبت جامعه را برای ظهور آماده می‌کند

محبوبه قربانی

امروز وقتی حال بیشتر مردم را جو یا می‌شویم، می‌بینیم که بسیاری از آنها از شرایط خود ناراضی هستند و از مشکلات مختلف گلایه دارند، اما حال کسانی که به امید و انتظار تکیه کرده‌اند، متفاوت است. نکته اینجااست که انتظار نباید صرفاً به نشستن و دعا کردن محدود شود. امید واقعی زمانی معنا پیدا می‌کند که با تلاش و فعالیت همراه باشد. کسانی که در مسیر تحقق اهداف الهی تلاش می‌کنند، جایگاهی بالاتر از کسانی دارند که فقط به انتظار نشسته‌اند، بنابراین انتظار واقعی باید با عمل و اصلاح شرایط جامعه همراه باشد. یکی از راه‌های عملی این کار، سازگاری سبک زندگی‌مان با اصول فرهنگ مهدویت است. فرد منتظر واقعی نه تنها آرزوی ظهور حضرت ولی‌عصر (عج) را دارد، بلکه در عمل برای تحقق عدالت و رفاه عمومی تلاش می‌کند. در نتیجه، چنین فردی با اصلاح رفتارها و اعمال خود در راستای اهداف مهدوی به تغییر و بهبود جامعه کمک می‌کند. این نوع انتظار، فراتر از انتظار منفعلانه است و به مشارکت فعال در ساختن دنیای بهتر می‌انجامد. حجت‌الاسلام والمسلمین ابراهیم بهاری، استاد حوزه و دانشگاه در حالی که در این ایام در حرم حضرت علی(ع) در نجف اشرف مشغول فعالیت است با ما به گفت‌وگو نشست. وی در این گفت‌وگو بر اهمیت تربیت مهدوی نسل جدید تأکید کرد و افزود: «علاوه بر اصلاح سبک زندگی شخصی، تربیت نسل نو نقش کلیدی در تحقق اهداف مهدوی دارد. پدران و مادران باید به فرزندان ارزش‌هایی مانند صداقت و انصاف بیاموزند و آنها را برای ساختن جامعه‌ای مهدوی تربیت کنند. مسئولیت اصلی این فرآیند بر عهده خانواده‌هاست، اما جامعه نیز باید با تولید محتواهای فرهنگی و ایجاد شرایط مناسب، به آن کمک کند. همه افراد جامعه از نویسندگان تا مسئولان فرهنگی باید فرهنگ مهدویت را در زندگی روزمره خود پیاده کنند تا نسلی مهدوی و آماده برای ظهور حضرت مهدی (عج) تربیت شود.» مشروح این گفت‌وگو را بخوانید.



مهدویت به عنوان یک فرهنگ و اندیشه به چه معناست؟

مهدویت یک مفاهیمی است که در طول تاریخ همواره راه نجات از ظلم و ستم بوده است. هر زمان که عدالت مهدوی اقتضا کند، مسلمانان در برابر ظلم و ستم ایستگاهی می‌کنند و در این مسئله هرگز کوتاه نمی‌آیند. برای اینکه ما این اندیشه را بهتر بشناسیم، باید به چند نکته توجه کنیم. باید بدانیم مهدویت یک اندیشه و باور پذیرفته‌شده در میان تمام مسلمانان است و در مورد وجود آن هیچ اختلافی نیست. حتی اهل سنت و وهابی‌ها نیز قابل به جریان مهدویت هستند. در اسلام، مهدویت مفهومی است که می‌توان از ابعاد گوناگون به آن نگاه کرد، اما پیش از پرداختن به این ابعاد، لازم است ابتدا مفهوم مهدویت را بشناسیم. مهدویت یعنی اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عج). گاهی این اعتقاد، فراتر از باور بوده و در رفتار افراد نیز متجلی می‌شود، به این معنا که رفتار، مهدوی پسند باشد یا از آموزه‌های مهدوی الهام گرفته شده باشد. در اصل، مهدویت یعنی باور و رسیدن به جایگاهی والا در این اندیشه. از نظر اصطلاحی، مهدویت یعنی روش، رفتار و عقیده‌ای که به حضرت مهدی (ارواحنا فداه) انتساب دارد. حتی در کتب لغت نیز این مفهوم به‌عنوان (طریقه یا رفتاری که منتسب به اعتقاد و باور به حضرت مهدی (عج) باشد) ترجمه شده است. بر این اساس، فرهنگ مهدوی عبارت است از بیان اندیشه‌ها، باورها، اصول اعتقادی و آموزه‌های مربوط به مهدویت. تبیین ارزش‌ها، پایدها و نیایدی‌ها آن، تعیین هنجارها و الگوهای رفتاری و کرداری مرتبط با مهدویت، تولید نمادها، نشانه‌ها و علائم نمادین برای توسعه و تحکیم این فرهنگ در جامعه، ایجاد و تقویت آیین‌ها و آداب و رسوم مرتبط با مهدویت، توسعه ارتباطات رسانه‌ای در حوزه شبکه‌های انسانی (حقیقی و مجازی)، بسط مهارت‌های مورد نیاز برای ایجاد زمینه ظهور و انتظار سازنده و روش‌های گوناگون برای باری حضرت حجت (عج). این مباحث در فرهنگ مهدویت بر برخی توسعه یافته‌اند، برخی موجودند و برخی دیگر باید بیش از پیش توسعه پیدا کنند. اگر بخواهیم به بیان قرآن کریم عمل کنیم، پروردگار متعال در آیه پنجم سوره قصص می‌فرماید: «وَتُؤْتِيهِمُ اللَّهُ مِنْ عَمَلِهِمْ جُزْءًا ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَلْجَأُونَ» (و تو آن‌ها را از عمل خودشان سهمی خواهی داد و آن‌ها را به سوی پروردگار خود بازگردانی). این آیه نشان می‌دهد باید برای تحقق این امر اقدامی انجام گیرد. با این حال، برخی معتقدند نیازی به این تلاش نیست در حالی که این تفکر کاملاً اشتباه است. چگونه ممکن است هیچ آمادگی‌ی وجود نداشته باشد و انتظار داشته باشیم که حضرت حجت (عج) به تنهایی ظهور کند و همه تحولات را رقم بزند؟

جامعه باید حداقل آمادگی فکری را داشته باشد، یعنی فرهنگ مهدوی باید در جامعه شکل بگیرد. این فرهنگ، یک فرهنگ آرمانی است که در عصر ظهور بر اساس باورها و ارزش‌های حقیقی اسلام گسترش پیدا می‌کند، بنابراین ابتدا باید این آمادگی ذهنی و فکری در میان مردم ایجاد شود.

و اما فرهنگ انتظار؟

فرهنگ انتظار نیز ادامه همان فرهنگ مهدویت است. تفاوت آن در این است که فرهنگ انتظار، فرهنگی است که در عصر غیبت شکل می‌گیرد. چنین فرهنگی بر محور باورهای زیربنایی و الگوبری از چشم‌انداز آرمانی مهدویت تحقق می‌یابد و فکر، ذهن و روح جامعه را به سمت مهدی‌باوری و حرکت در مسیر انتظار سوق می‌دهد.

می‌دانیم این فرهنگ صرف دعا خواندن و ذکر گفتن کافی نیست، چه باید کرد؟

البته! انتظار صرفاً به خواندن دعای ندبه یا ذکر «اللهم عجل لولیک الفرج» محدود نمی‌شود، بلکه کاسب، کارمند، دولت‌ها و حاکمیت‌ها با عمل خود نشان دهند در انتظار ظهور منجی هستند. انتظار یعنی اینکه ما خود را برای سربازی امام زمان (عج) آماده کنیم؛ سربازی منجی بزرگی که قرار است با تمام مراکز قدرت و فساد بین‌المللی مبارزه کند، بنابراین نیروهای منتظر باید از نظر فکری، جسمی، روحی و فرهنگی کاملاً آماده باشند. در واقع، فرهنگ انتظار یعنی پرورش نیرویی زنده و آماده که بتواند تحت فرماندهی امام زمان (عج)، وظایف خود را به‌درستی انجام دهد. همان‌طور که یک فرمانده لشکر، نیروهایش را برای اجرای دستورات فرمانده کل آماده می‌کند، مجموعه جامعه نیز باید در قالب فرهنگ انتظار، خود را برای تحقق آنچه مرضی رضای الهی است، آماده کند. پس فرهنگ انتظار همان عملیاتی کردن شاخصه‌های فرهنگ مهدویت است که در دوران غیبت اجرا می‌شود و جامعه را برای ظهور آماده می‌کند. **امید و انتظار چه جایگاهی در فرهنگ مهدویت دارند؟ در این فرهنگ، عدالت‌گستری به عنوان یکی از اهداف ظهور امام زمان (عج) چگونه تعریف می‌شود و چه تأثیری بر جامعه دارد؟**

امید بزرگ‌ترین مؤلفه زنده نگه داشتن هر چیزی است. حتی یک گیاه وقتی از دل خاک می‌خواهد بیرون بیاید، به امید دیدن آفتاب و نور رشد می‌کند تا به این نقطه برسد. جریان امید و انتظار در فرهنگ مهدویت نیز چنین جایگاهی دارد. یکی از شاخصه‌های امید، از بین رفتن ظلم‌ها، خیانته‌ها، کوتاهی‌ها، چپاول‌ها و غارت‌هایی است که از سوی گروهی مستکبر، فاسد و زورگو بر بشریت تحمیل می‌شود. این نوع امید به این معناست که فرد در انتظار نشسته تا با آمدن منجی، فساد از بین برود و عدالت جایگزین آن شود. «جاء الحق و زهق الباطل: حق آمد و باطل نابود شد.» ظهور آفتاب به معنای از بین رفتن تاریکی است و جامعه را در نور قرار می‌دهد. این بزرگ‌ترین شعار تفکر مهدویت است که جامعه را به سمت انتظار سوق می‌دهد. جامعه نیز باید این امید را روزبه‌روز تقویت کند، زیرا عدالت‌گستری بزرگ‌ترین هدف وجود مبارک حضرت حجت(عج) است. مردم نیز عاشق عدالتند و همین عدالت، وقتی در جامعه تبیین و مستقر شود، پذیرش عمومی پیدا می‌کند. در این شرایط، افراد جامعه و پیروان مجموعه ادیان، نه تنها در دین مبین اسلام، بلکه در سراسر جهان به این موضوع اعتقاد پیدا می‌کنند. حتی کسانی که طرفدار چگورا هستند، بر این باورند که روزی یک منجی خواهد آمد و آنان را از گرفتاری‌ها نجات خواهد داد. در مسیحیت، یهودیت و حتی در ادبیاتی که در هندوستان به بیش از ۷۰۰ هزار دین می‌رسند، بخش عمده‌ای از پیروان این تفکر را دارند و منتظر یک منجی‌اند. این نشان می‌دهد انتظار خود نوعی امید است.

آیا رفتارها بمان متناسب با این نگاه است؟

خیر. تفاوت دارند. برخی امیدشان را با نشستن و دست روی دست گذاشتن حفظ می‌کنند، در حالی که برخی دیگر همراه با فعالیت و تلاش امید دارند؛ قرآن می‌فرماید: «فَقَسَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْفَاقِعِينَ أَجْرًا عَظِيمًا: خداوند مجاهدان را بر آنان که نشسته‌اند، بر تری و پاداشی عظیم داده است.» بنابراین کسانی که تلاش می‌کنند تا این نور زودتر تابیده شود، جایگاه والایی دارند نسبت به کسانی که تنها منتظر می‌مانند. انهایی که تنها می‌نشینند و می‌گویند «إن شاء الله» گره باز شود، در واقع فقط دعا می‌خوانند. البته این نیز نوعی انتظار است، اما انتظار واقعی باید با تلاش همراه باشد. انتظار باید گرهِ بخورد یا اینکه فرد، همراه با امید و آرزویی که دارد، خود نیز برای بسط عدالت در جامعه تلاش کند و قدم بردارد.

سبک زندگی مهدوی و منتظر واقعی چه شاخصه‌هایی دارند؟

سبک زندگی مهدوی و منتظر واقعی با توجه به آموزه‌های دینی اصول مشخصی دارند که در عمل به عدالت، تعهد، احترام به حقوق دیگران و ساخت یک جامعه سالم منتهی می‌شود و این سبک زندگی مهدوی با ظهور حضرت مهدی (عج) به اوج خود خواهد رسید. روایات دینی نشان می‌دهند در آن زمان، به حدی عدالت برقرار خواهد شد که حتی حیوانات نیز با یکدیگر در زندگی خواهند کرد.

آیا سبک زندگی امروز ما با فرهنگ انتظار هم‌راستا و متناسب است؟

برای پاسخ به این سؤال، باید دو نکته اساسی را بررسی کرد؛ نخست اینکه در یک جامعه مهدوی، گناه مذموم و نادرست است، به‌طوری‌که هیچ‌کس در جامعه گناه نمی‌کند و هیچ خطایی وجود ندارد. بر عباتر دیگر، همه افراد در عمل به شریعت و اصول اخلاقی پایبند هستند و عدالت در همه ابعاد زندگی افراد برقرار است. در این جامعه، هر کس در حوزه‌ای که تخصص

دارد، فعالیت می‌کند و مسئولیت‌های خود را با تعهد و تخصص انجام می‌دهد. به‌ویژه در مسئولیت‌های مدیریتی، فرد متعهد باید تنها در زمینه‌های تخصصی خود فعالیت کند و هیچ‌گاه در وظایف دیگران دخالت نکند.

دوم اینکه وضعیت کنونی و فاصله با ایده‌آل‌ها نیز قابل توجه است. در حال حاضر، ما فاصله زیادی با این ایده‌آل‌ها داریم. برای مثال در جامعه کنونی ایران به‌ویژه در سیستم قضایی، سالانه میلیون‌ها پرونده به جریان می‌افتد که این نشان‌دهنده اختلافات گسترده بین افراد و نیاز به اصلاحات عمیق در نظام قضایی و اجتماعی است. در سبک زندگی مهدوی، چنین وضعیتی وجود ندارد، زیرا افراد به حقوق خود قانع هستند و به هیچ‌وجه به دنبال تضاد و اختلاف نیستند.

چه کنیم تا به این ایده‌آل‌ها نزدیک شویم؟

باید یک تغییر فرهنگی اساسی در همه سطوح جامعه ایجاد کنیم. عالمان دینی و مذهبی باید با عمل به آموزه‌های مهدوی، نمونه‌ای از سبک زندگی مهدوی را به جامعه ارائه دهند. این تغییر باید از درون خانه‌ها، مدارس، مساجد، ادارات و حتی در سطوح بالا مانند دولت آغاز شود. اگر هر فرد در هر موقعیتی به اصول مهدوی پایبند باشد و آن را در عمل پیاده کند، جامعه نیز به تدریج به سمت اصلاح حرکت خواهد کرد. در نهایت باید تأکید کنم تنها با عمل به آموزه‌های دینی و مهدوی، می‌توانیم جامعه‌ای بسازیم که در آن عدالت، حقوق بشر و احترام به یکدیگر برقرار باشد. اگر عالمان دینی و مسئولان فرهنگی و اجتماعی خود را به عنوان الگوهای عملی مهدویت معرفی کنند، می‌توان به این هدف دست یافت.

تربیت مبتنی بر فرهنگ مهدویت چیست و چه اصولی دارد؟ آیا به نظر شما، در قبال تربیت نسل جدید و فرزندان این مرز و بوم، وظیفه خود را به‌درستی انجام داده‌ایم؟

تربیت مبتنی بر فرهنگ مهدویت اصول خاص خود را دارد که مهم‌ترین آنها درک عمیق از جایگاه حضرت مهدی (عج) و ارتباط آن با سبک زندگی فردی و اجتماعی است. یکی از مهم‌ترین مسائل در تربیت نسل جدید و فرزندان این مرز و بوم، این است که آیا ما در قبال این مسئولیت به درستی عمل کرده‌ایم؟ به نظر می‌رسد کوتاهی کرده‌ایم. مثلاً معلم‌های مدارس ابتدایی و راهنمایی تا چه حد دغدغه مهدویت دارند؟ آیا خودشان شناخت کافی از این مبحث دارند؟ در مهدکودک‌ها و مدارس، آیا واقعاً سبک زندگی مهدوی به کودکان منتقل می‌شود یا اینکه آنها را با دنیای غرب و ابزارهای موسیقی مشغول می‌کنیم و در واقع به جای گسترش خیر، افکار نادرست را وارد ذهن آنها می‌کنیم؟

امروزه بسیاری از مسئولان، چه در مدارس، چه در خانواده‌ها و چه در نهادهای فرهنگی، مسئولیت خود را به درستی ایفا نمی‌کنند. برای مثال، مادرانی که در جامعه امروز باید مسئولیت تربیت فرزند خود را به عهده بگیرند، چگونه می‌توانند این مسئولیت را در شرایطی که مجبورند صبح زود خانه را ترک کنند و عصر خسته به خانه برگردند، به درستی انجام دهند؟ آیا دادن گوشی موبایل به فرزند برای سرگرم شدن در فضای مجازی است؟ بر از پیپی‌دی‌ها و آسیب‌هاست، راه‌حل مناسبی است؟ در این میان، نهادهای فرهنگی مانند رسانه‌ها، مساجد، مدارس و حتی خانواده‌ها نقش حیاتی دارند. امروز در تلویزیون سربال‌هایی مانند «مسلمان» یا «حضرت موسی (ع)» ساخته می‌شود که به مسائل مذهبی و دینی می‌پردازند، اما آیا در شبکه‌های اصلی مثل شبکه یک، دو یا سه، سربال‌هایی در ارتباط با مهدویت و فرهنگ آن تولید می‌شود؟ آیا تلویزیون به وظیفه خود در راستای تبیین مهدویت به درستی عمل کرده است؟ در مساجد، آیا مسئولیت‌پذیری به اندازه کافی احساس می‌شود یا فقط به خواندن دعای فرج خلاصه می‌شود؟ مشکل اصلی این است که نهادهای فرهنگی باید با ابزارهای صحیح و متناسب، فرهنگ مهدویت را در جامعه ترویج دهند. مثلاً در مدارس، معلم باید بیشتر به آموزش مباحث مهدویت و تربیت نسل آینده در راستای این فرهنگ بپردازد. رسانه‌ها نیز باید در سربال‌ها و برنامه‌های خود از مهدویت به طور جدی و تأثیرگذار استفاده کنند تا این فرهنگ در زندگی روزمره مردم نفوذ کند. مسئولیت اصلی در تربیت نسل جدید بر عهده خانواده‌ها و مادران است. آنها باید فرزندان را در محیطی آگاهانه و مسئولانه تربیت کنند، اما در عین حال، جامعه نیز باید در کنار خانواده‌ها با تولید

محتوای فرهنگی و ایجاد شرایط مناسب، به این فرآیند کمک کند. در نهایت، همه افراد جامعه از جمله نویسندگان، سازندگان فیلم و سربال، مسئولان فرهنگی و حتی کاسبان باید در عمل فرهنگ مهدویت را به جامعه بیاموزند و آن را در زندگی روزمره خود پیاده کنند. فقط در این صورت است که می‌توانیم به



تربیت نسلی مهدوی و آماده برای ظهور حضرت مهدی (ع) دست باییم.

در ایام نیمه شعبان، علاوه بر جشن‌ها و شادی‌ها، چه اقدامات انسان‌دوستانه‌ای می‌توانیم انجام دهیم تا دل مستضعفان و امام مستضعفان را شاد کنیم؟

قرآن بیان می‌کند در آینده، مستضعفان وارثان اصلی این زمین خواهند بود. حالا سؤال این است که چه کنیم تا این امید را در دل آنها ایجاد کنیم و آنها در بطن این ماجرا حضور داشته باشند. این همان فرهنگ‌سازی است که اشاره کردم، یعنی به آنها بها و ارزش دادن و این ارزش فراهم نمی‌شود مگر در عمل. به این معنا که فقط در بعد نظامی نباید وارد شویم، آنها باید در تمام صحنه‌ها حاضر باشند و در تمام خیر و شرها برایشان ارزش قائل شویم. به آنها لطف و عنایت داشته باشیم. افرادی که تمکن مالی دارند، می‌توانند بهانه‌ای برای کمک در نیمه شعبان ایجاد کنند. به عنوان مثال فراهم کردن اسباب آذوقه برای دختران و پسران دم بخت که از گناه دور باشند، این کمک به فرهنگ امام‌زمان است و باید به این افراد گفته شود این پولی که به شما داده شده، به نیت امام‌زمان است. در ادامه، این افراد را موظف می‌کنیم وقتی به تمکن مالی رسیدند، همان کار را انجام دهند.

در شرایطی که مردم شاهد بی‌عدالتی‌ها در جامعه هستند که بخشی از آن به عملکرد مسئولان بازمی‌گردد، چگونه می‌توان از مردم انتظار پیروی از فرهنگ مهدوی را داشت؟

بخش عمده‌ای از این مسئولان را مستقیم یا غیرمستقیم خودشان انتخاب کرده‌اند. اگر یک مسئول در قالب فرهنگ الهی قدم برمی‌دارد، خبر آن به جامعه نیز می‌رسد و اگر در مسیر خطای گناه حرکت کند، در روز قیامت خداوند از رأی‌دهندگان بازخواست خواهد کرد. این یک مسئولیت بزرگ است، چرا که در قیامت گفته می‌شود: «کلّم راع و کلّم شُئول غنّ رعیت»؛ یعنی شما که رأی دادید و این فرد را به مقام مدیریت، ریاست یا نمایندگی رساندید، باید پاسخگو باشید.»

اگر جامعه به دنبال عدالت مهدوی است، باید افراد عادل را انتخاب کند و فرد عادل شاخصه‌های مشخصی در فرهنگ مهدویت، قاعده اسلامی و کسوت دینی دارد. همان‌طور که در مقام قضاوت، شاهد باید عادل باشد، در انتخاب یک مدیر، نماینده یا مسئول نیز نباید افراد بدون صلاحیت را به کار گماشت.

البته بر برخی مسئولان ممکن است پس از انتخاب دچار خطا شوند، اما در انتخابات بعدی مردم باید با قاطعیت آنها را کنار بگذارند و از آنها مطالبه‌گری کنند. در تاریخ اسلام نمونه‌های متعددی از این مطالبه‌گری وجود دارد. امیرالمؤمنین علی(ع) در حال اقامه نماز جمعه بودند که زنی از راه رسید و خطاب به ایشان گفت: «هماز را رها کن و ابتدا پاسخ مراد»؛ حضرت علت را جویا شدند و آن زن از عملکرد نادرست یک فرماندار در منطقه خود شکایت کرد. امیرالمؤمنین (ع) بدون هیچ درنگی، همانجا نامه عزل فرماندار را نوشتند و به او سپردند که ببرد، سپس نماز را ادامه دادند. این نشان می‌دهد مردم باید از مسئولان بازخواست کنند و اگر مسئولی خارج از چارچوب قواعد دینی عمل می‌کند، او را کنار بگذارند. آنچه جامعه امروز به آن نیاز دارد، یک غربالگری صحیح است تا افراد ناصالح کنار گذاشته شوند.



اگر یک مسئول در قالب فرهنگ الهی قدم برمی‌دارد، خیر آن به جامعه نیز می‌رسد اگر جامعه به دنبال عدالت مهدوی است، باید افراد عادل را انتخاب کند و فرد عادل شاخصه‌های مشخصی در فرهنگ مهدویت، قاعده اسلامی و کسوت دینی دارد. همان‌طور که در مقام قضاوت، شاهد باید عادل باشد، در انتخاب یک مدیر، نماینده یا مسئول نیز نباید افراد بدون صلاحیت را به کار گماشت

